اندیشکده راهبردی تبیین

دستاوردهای نظامی حزب‌الله از بحران سوریه؛
ابعاد و پیامدها

مقالات

آبان ماه ۱۳۹۷

بسم الله الرحمن الرحیم

اندیشکده راهبردی تبیین

مجموعه گزارش راهبردی

دستاوردهای نظامی حزب‌الله از بحران سوریه؛ ابعاد و پیامدها

وبگاه اندیشکده : www.Tabyincenter.ir

نشانی : تهران، اقدسیه، خیابان شهید موحد دانش ،خیابان نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۱۱

کد پستی : ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۱

تلفن : ۲۶۱۵۳۳۲۹

نمابر : ۸۹۷۷۱۹۶۴

فهرست

مقدمه	۶
اجمالی از بازدارندگی	۶
توانمندی‌های فنی و تسلیحاتی جدید	۸
توانمندی‌های تاکتیکی جدید	۱۰
راهبردهای عملیاتی جدید	۱۳
جمع‌بندی	۱۷
منابع و پی نوشت ها	۱۹

مقدمه

پس از سال ۲۰۰۶ حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی کوشیدند بازدارندگی را با تمام قواعد حاکم بر آن، مورد اهتمام جدی قرار دهند. حزب‌الله اما به دلیل این که بازیگری نامتقارن محسوب می‌شود، در این حوزه بیشتر تلاش کرد. اما آغاز بحران سوریه در بهار ۲۰۱۱ و ورود اعلانی و رسمی حزب‌الله به آن در بهار ۲۰۱۳، صحنه‌ی جدیدی را پیش‌روی این جنبش قرار داد. با این وجود، عدم وقوع حمله‌ای از سوی اسرائیل مشابه آن‌چه در سال ۲۰۰۶ رخ داد ، در شرایطی که حزب‌الله بخش عمده‌ای از نیروی انسانی و تمرکز خود را در صحنه میدانی سوریه صرف می‌کرد، می‌تواند بیان‌گر موفقیت حزب‌الله در طراحی بازدارندگی متقابل و نامتقارن باشد. این مقاله در پی یافتن دستاوردهای حزب‌الله از بحران سوریه در حوزه بازدارندگی است. سعی می‌شود تا ابتدا مبانی بازدارندگی تشریح و سپس متناسب با آن، توانایی‌ها حزب‌الله، تهدیدات اعلانی از سوی آن و اعتبار این تهدیدات از نگاه مقامات رژیم صهیونیستی در سه سطح فنی و تسلیحاتی، تاکتیکی و عملیاتی بیان شود.

اجمالی از بازدارندگی

اگرچه مفهوم بازدارندگی[۱]، به لحاظ آکادمیک عمدتا در سال‌های جنگ سرد و در روابط میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بیشتر مورد توجه قرار گرفت اما واقعیت این است که این مفهوم، قدمتی به بلندای تاریخ بشریت دارد. تلاش برای ممانعت دیگری از یک اقدام خاص از طریق بیان هزینه‌های تحمیلی به او در صورت اجرای آن اقدام، منطقی است که در روابط میان انسان‌ها، قبایل و دولت‌ها قابل مشاهده است. در همین چارچوب، «اگر آرزوی

صلح داری، برای جنگ آماده باش» یک ضرب‌المثل رومی است که به منطق بازدارندگی اشاره دارد.[۲]

از دیدگاه نظریه‌پردازان بازدارندگی، نظم زمانی حفظ خواهد شد که رهبران دریابند حریفان بالقوه آن‌ها، در صورت رفتار نامطلوب، توان و اراده تلافی را خواهند داشت. بر این اساس سه شرط بنیادین برای یک بازدارندگی موفق ذکر شده است[۳]؛

– ارتباطات: برقراری رابطه با حریف و آگاه ساختن او از قصد و نیت و حدود اعمال ممنوعه. دولت‌هایی می‌توانند از بازدارندگی به‌عنوان مدل استفاده کنند که از ابزار مناسب برای انتقال پیام‌های تهدیدآمیز برخوردار باشند.

– توانایی همراه با عقلانیت: توانایی تحمیل خسارت غیرقابل تحمل بر دشمن و عقلانیت طرفین در محاسبه سود و هزینه احتمالی رفتارهای خود. تهدید زمانی توانمند ارزیابی می‌شود که بازیگر تهدیدشونده، وضعیت موجود را به درگیری ترجیح دهد. وقتی این رابطه معکوس شد، گفته می‌شود که تهدید فاقد توانایی است.

– اعتبار: تهدید واقعی و باور حریف به این‌که طرف مقابل از چنین توانایی‌ای برخوردار است. می‌توان سه عامل را در معتبرسازی تهدید مدنظر قرار داد؛ باور تهدید از سوی تهدیدشونده، عقلانی‌بودن تهدید و ارزیابی اجرای تهدید از سوی تهدیدشونده با احتمال بالا.

اما سوال اساسی این است که آیا یک بازیگر ضعیف، توان ایجاد بازدارندگی در مقابل یک بازیگر قوی‌تر را داراست؟ و اگر بازیگری دارای بمب هسته‌ای باشد، الزاما هرگونه بازدارندگی متعارف (غیرهسته‌ای) در مقابل آن، محکوم به شکست است؟ پاسخ به این سوالات نیازمند تشریح نوع خاصی از بازدارندگی با نام بازدارندگی نامتقارن[۴] است.

بازدارندگی نامتقارن زمانی حاصل خواهد شد که ارزیابی و ادراکِ بازیگر قوی‌تر از تهدیدات دشمن ضعیف‌تر، در شرایط پیش از جنگ، عملا منجر به بازدارندگی شود. در یک شرایط درگیری فعال، برخلاف بازدارندگی مرسوم، بازدارندگی نامتقارن در شکلی از قوانین بازی بروز می‌یابد. چانه‌زنی، کنش‌های کلامی و کنش‌های عملی، بخشی از فرایندی هستند که این قوانین را شکل خواهند داد. قوانین بازی، جزئیاتی از آن چیزی هستند که ویلنر[۵] آن را «بازدارندگی در میان جنگ»[۶] می‌نامد. شرط پیروزی بازدارندگی نامتقارن، پذیرش قوانین بازی از سوی هر دو طرف است. در این بازدارندگی، بازیگر ضعیف باید اثبات کند که گزینه‌های محدودش در مقابل بازیگر قدرتمند، باید جدی تلقی شود. در بازدارندگی نامتقارن، باید به استراتژی‌هایی دست یافت که بازدارندگی امکان‌پذیر شود. لذا باید استراتژی‌هایی با هدف محدود ولی افزایشی، با کنترل آستانه تعارض، افزایش سطح هزینه‌های اقدام حریف و ... استفاده شود.[۷]

توانمندی‌های فنی و تسلیحاتی جدید

به صورت تحلیلی می‌توان گفت که حزب‌الله پس از نبرد سال ۲۰۰۶ به صورت جدی‌تر از سوی حامیان منطقه‌ای‌اش و مشخصا جمهوری اسلامی ایران به موشک‌های دقیق‌تر و قوی‌تر تجهیز شد. این امر پس از ورود حزب‌الله به بحران سوریه و امکان تضعیف آن به دلیل توزیع تمرکز و نیروها، تشدید گردید. به بیان دیگر، تضعیف احتمالی حزب‌الله به دلیل حضور در بحران سوریه، امکان شکست بازدارندگی این جنبش در مقابل اسرائیل را بیشتر ساخته و به همین دلیل در سطح راهبردی، نیاز به تقویت تسلیحاتی حزب‌الله جهت تقویت بازدارندگی آن وجود داشت. طبیعی است که چنین نیازی از سوی حزب‌الله و ایران درک شده و در پی رفع آن باشند.

موشک، مهم‌ترین توانمندی تسلیحاتی حزب‌الله است و می‌توان از آن به‌عنوان پایه بازدارندگی این جنبش یاد کرد. حزب‌الله لبنان سعی کرده است تا با علنی‌سازی این اهرم بازدارنده‌ی خود، زمینه‌ی موفقیت بازدارندگی‌اش را فراهم سازد. سیدحسن نصرالله در سال ۱۳۹۳ گفت: «موشک‌های فاتح ۱۱۰ مدت‌ها است به دست ما رسیده است. در سال ۲۰۰۶ هم این موشک‌ها را داشتیم و خبر تازه‌ای نیست، این مسائل قدیمی شده‌اند. موشک‌های فاتح ۱۱۰ نسبت به موشک‌هایی که اکنون در اختیار داریم بسیار قدیمی هستند... آنچه اکنون حزب‌الله در اختیار دارد، به اندازه‌ای است که حتی اسرائیل تصور آن را هم نمی‌تواند بکند.»[۸]

نشانه‌ها و اظهارات پرشماری وجود دارد که بیان‌گر پذیرش قدرت موشکی حزب‌الله از سوی رژیم صهیونیستی است، اما به‌نظر آن‌چه که عاموس یادلین[۹] رئیس پیشین اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی مطرح کرده، نظری راهبردی‌تر و حساسیت‌برانگیزتر برای اسرائیل است: «تعداد موشک‌های حزب‌الله مهم نیست، مهم این است که حزب‌الله دائما در حال بهبود دقت موشک‌های دوربرد خود بوده و توانایی آن‌ها را در حمل کلاهک‌ها افزایش می‌دهد. چنین موشک‌هایی می‌توانند مراکز جمعیتی و تاسیسات استراتژیک اسرائیل را هدف قرار دهند.»[۱۰] واقعیت این است که اطلاع اسرائیل از کمیت و کیفیت موشک‌های حزب‌الله، صرفا بر اساس برآوردهایی است که از دقت بالایی برخوردار نیستند. به همین دلیل، یکی از مقامات ارشد اطلاعات ارتش اسرائیل، شناخت این ارتش از توان موشکی حزب‌الله را به مشاهده‌ی قله‌ی یک کوه یخی تشبیه کرده که بخش عمده‌ی آن در زیر آب بوده و قابل مشاهده نیست.[۱۱] طبیعی است که چنین تصوری، به معنای آن است که اسرائیل توان نظامی که زمینه‌ساز توان تهدید حزب‌الله است را در برآوردهای خود لحاظ کرده است.

علاوه بر تقویت قدرت موشکی، حزب‌الله در دیگر حوزه‌های مورد نیاز برای نبرد نیز خود را مجهز کرده است. وقتی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ به لبنان و حزب‌الله حمله کرد، این جنبش مجهز به پهپاد نبود. اما شش سال بعد، حزب‌الله پهپاد ایوب را طی یک عملیات موفق رونمایی کرد. «ایوب» در آن شرایط، دو پیام معنادار داشت؛ حزب‌الله مجهز به پهپاد شده است، ممکن است حزب‌الله پهپادهای پیشرفته‌تری در اختیار داشته باشد (و یا به آن دست یابد) که علاوه بر توان جمع‌آوری اطلاعات، دارای قدرت هجومی باشند. عاموس هارئیل، تحلیل‌گر مشهور امور نظامی روزنامه صهیونیستی هاآرتص، «ایوب» را نشانه‌ای از صداقت حزب‌الله در بیان بازدارندگیِ فراتر از تصور مقامات امنیتی اسرائیل معرفی کرده است.[۱۲] آن‌چه که هارئیل نامش را صداقت گذاشته است، در واقع تلاش هوشمندانه حزب‌الله برای انتقال پیام بازدارنده به طرف مقابل است که مبتنی بر شاخص‌های بازدارندگی صورت پذیرفته است.

توانمندی‌های تاکتیکی جدید

گذر زمان و حضور جنبش حزب‌الله در عرصه میدانی بحران سوریه، قابلیت‌های تاکتیکی آن را افزایش داده است. واقعیت امر این است که در بررسی توانمندی‌های کنونی حزب‌الله، حضور در بحران سوریه، از منظرهایی می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف این جنبش شده باشد. به‌عنوان نمونه، حضور میدانی در سوریه، موجب بازشدن آرایش نظامی حزب‌الله شده است که این امر می‌تواند امکان نفوذ نیروهای اطلاعاتی اسرائیل و هم‌چنین فاش شدن برخی اسرار نظامی حزب‌الله را در پی داشته باشد. نشانه‌های آشکاری از این موارد بالقوه در دسترس نیست و لذا نمی‌توان در خصوص بالفعل‌شدن آن‌ها سخن گفت. بر این اساس بعضی از تحلیلگران بر این باورند که

جنگ سوریه حزب الله را متزلزل کرده است. با این حال، کسانی که نزدیک به حزب‌الله هستند، استدلال می‌کنند که دقیقا حزب‌الله به دلیل حضور در بحران سوریه، جنگنده‌تر از قبل شده است. [۱۳] برخی تحلیل‌گران غربی نیز این نظر را تائید کرده‌اند. اندرو اگزوم[۱۴] یکی از مقامات سابق میز لبنان در وزارت دفاع آمریکا در این خصوص معتقد است نبرد سوریه، نسل جدیدی از مبارزان را در حزب‌الله تربیت کرده است.[۱۵] حضور میدانی این جنبش در بحران سوریه، عمیقا در تاکتیک‌های عملیاتی حزب‌الله موثر واقع شده است. به صورت مشخص، این حضور زمینه‌ساز کسب تجربه‌های آفندی، جنگ شهری و مدیریت عملیات‌های گسترده برای حزب‌الله بوده است.

حزب‌الله در تمامی سال‌های مبارزه علیه رژیم صهیونیستی عمدتا در مقام دفاع بود. اما حضور میدانی در بحران سوریه، تجربه عملیات‌های آفندی را برای این جنبش فراهم ساخته است. حزب‌الله پس از آزادسازی القصیر در مناطق مرزی سوریه و لبنان در بهار ۲۰۱۳ که مهم‌ترین نقطه‌ی شروع برای حضور آشکار در بحران سوریه بود، در عملیات‌های گوناگونی از جمله آزادسازی حلب در سال ۲۰۱۶، آزادسازی دیرالزور و منطقه‌ی قلمون در سال ۲۰۱۷ و ... مشارکت داشته است. البته حضور در سوریه، تجربه‌ی تدافعی حزب‌الله را هم در مواجهه با حملات گروه‌های تروریستی تقویت کرد اما تجربه‌ی آفند، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حزب‌الله از حضور در بحران سوریه بوده است. نصرالله این تجربه را این‌گونه بیان داشته است: «مسئولان سیاسی و نظامی اسرائیلی در کنفرانس‌ها و انجمن‌های سال گذشته... گفتند تجربه‌ی مقاومت لبنان دفاعی بود، امروز تجربه‌ی هجوم را نیز کسب کرده است.»[۱۶]

تجربه دیگر حزب‌الله از صحنه میدانی بحران سوریه، مدیریت و راهبری عملیات‌های گسترده است. پیش از مشارکت حزب‌الله در بحران سوریه، تجربه این جنبش در عملیات‌های زمینی که تماما در قالب عملیات‌های چریکی صورت می‌گرفت، با تعداد افراد محدودی طراحی می‌شد. برخی کارشناسان در این خصوص اظهار داشته‌اند که تیم‌های اعزامی حزب‌الله در مناطق تحت قلمروی اسرائیل (اعم از جنوب لبنان در سال‌های اشغال) شامل پنج تا پانزده رزمنده‌ی آموزش دیده بوده است که در چند ساعت به اجرای عملیات طراحی‌شده پرداخته و به مقر خود بازمی‌گشتند، در حالی که حزب‌الله در بحران سوریه ضمن مشارکت در عملیات‌های بزرگ و طولانی، بعضا فرماندهی صدها مبارز را در یک عملیات برعهده داشته است.[۱۷] هماهنگی با نیروهای عملیاتی دیگر در یک عملیات واحد هم دیگر تجربه حزب‌الله است.[۱۸] علاوه بر این، به لحاظ شیوه راهبری عملیات و تامین نیازهای اطلاعاتی، حزب‌الله تجربه استفاده از پهپادهای شناسایی، ارتباط میان نیروهای حاضر در عملیات، تعاملات صحنه سیاسی و میدانی و ... را نیز در ابعاد وسیع‌تری تجربه کرده است. طبیعی است که به دلیل محدودیت‌های امنیتی و جغرافیایی، چنین تجربه‌ای در هیچ مانورِ نزدیک به واقعیت نمی‌توانست برای حزب‌الله رقم بخورد ولی این جنبش به دلیل حضور در بحران سوریه، به این مهارت‌های میدانی و مدیریتی دست‌یافته است.

دیگر تجربه حزب‌الله در بحران سوریه، دستیابی به مهارت‌های جنگ شهری[۱۹] است. جفری وایت[۲۰] یکی از مقامات اطلاعاتی سابق وزارت دفاع آمریکا در این خصوص معتقد است حضور در سوریه، دانش ارزشمندی از جنگ‌های نامنظم را در اختیار حزب‌الله قرار داده است.[۲۱]

راهبردهای عملیاتی جدید

در الگوی جدید بازدارندگی حزب‌الله لبنان می‌توان راهبردهای عملیاتی جدیدی را یافت که اساسا در گذشته نه در ادبیات مقامات این جنبش و نه در ارزیابی توان عملیاتی از آن، قابل مشاهده نبود. یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که چندین بار از سوی سیدحسن نصرالله دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان نیز مورد اشاره قرار گرفته و با توجه به بحران سوریه، توان عملیاتی آن نیز از سوی حزب‌الله مثبت ارزیابی می‌شود، راهبرد الجلیل است.[۲۲] الجلیل نام منطقه و شهری است در شمال فلسطین اشغالی که هم‌مرز با جنوب لبنان می‌باشد. بیان راهبرد الجلیل از سوی حزب‌الله آشکارا نشان از رویکرد آفندی این جنبش در صورت لزوم دارد. راهبرد الجلیل آشکارا سخن از ورود نظامی به «الجلیل و ما بعد الجلیل» می‌کند. سیدحسن نصرالله در سال ۹۳ در مصاحبه با المیادین، از طرح پیشروی تا الجلیل و حتی «ما بعدِ الجلیل» سخن گفت: «این‌که گفته شود آیا مقاومت به قدرتی تبدیل شده‌است که بتواند وارد الجلیل شود می‌گویم بله، مقاومت هم اکنون به توانی دست‌یافته که به‌تواند وارد الجلیل شود. هم اکنون مقاومت با تمام رزمندگانش و افسران و توانایی‌های نظامی‌اش آماده هستند وارد الجلیل شوند.» وی با اشاره به اشتباه محاسباتی دشمن و اینکه دخالت حزب الله در سوریه توان حزب الله را کاهش داده، گفت: «البته فراموش نکنید که من می‌گویم به بعد الجلیل هم می‌توانیم وارد شویم.»[۲۳]

نشانه‌های معناداری وجود دارد که حکایت از معتبر تلقی‌کردن این راهبرد تهدیدآمیز حزب‌الله از سوی رژیم صهیونیستی دارد. نصرالله در این خصوص می‌گوید: «هشدارهای ما در خصوص احتمال حمله به الجلیل جدی بود و اسرائیل آن را جدی تلقی کرد. ایهود باراک، زمانی به مرز لبنان و مرز فلسطین اشغالی رفت و به نظامیان خود گفت خود را آماده‌ی جنگی در این منطقه کنید... از همان روزی که من آن سخنان را بیان کردم تا امروز، اسرائیلی‌ها، هوشیار هستند

و محتاط.»[۲۴] اور هیلر، گزارش‌گر نظامی شبکه‌ی ده تلویزیون رژیم صهیونیستی در خصوص اهمیت راهبرد الجلیل گفته است: «بخش‌های ویژه‌ی دستگاه امنیتی ارتش اسرائیل به‌طور دائم تجربیات حزب‌الله در جنگ سوریه را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و در همین چارچوب ارتش سرگرم آماده شدن برای مقابله با توانمندی‌های حزب‌الله در جنگ آینده از جمله امکان نفوذ صدها رزمنده به شهرک‌ها و تسلط بر آن است.»[۲۵] ارتش رژیم صهیونیستی هم جهت مقابله با حمله احتمالی حزب‌الله به الجلیل، اقدام به احیای کانال‌های ارتباطی میان مسئولان امنیتی در شهرها و شهرک‌های شمال اراضی اشغالی با فرماندهان نظامی این منطقه کرده و جلساتی را نیز در همین راستا برگزار کرده است.[۲۶] چنین تدابیری بیان‌گر این است که سه ویژگی شاخص معتبرسازی تهدید در الگوی بازدارندگی، در خصوص راهبرد عملیاتی الجلیل محقق شده است؛ تهدید از سوی اسرائیل باور شده است، تهدید عقلانی است و با توان نظامی حزب‌الله و ویژگی‌های جغرافیایی سازگاری دارد و در نهایت اسرائیل این تهدید را با احتمال اجرای بالا، ارزیابی کرده است. تجارب تاکتیکی که حزب‌الله از بحران سوریه فراگرفته است، عمیقا می‌تواند در خدمت راهبرد الجلیل قرار گیرند.

راهبرد مهم دیگری که در الگوی جدید بازدارندگی حزب‌الله لبنان قابل مشاهده است، در راستای تلاش این جنبش برای پاسخ موثر به توان هسته‌ای رژیم صهیونیستی و حملات گسترده احتمالی این رژیم به لبنان طراحی شده است. به دلیل عدم تقارن در توانمندی‌های نظامی حزب‌الله و اسرائیل، عملا حزب‌الله کوشیده است تا از آسیب‌پذیری‌های این رژیم جهت طراحی بازدارندگی موثر برای خود بهره برد. نصرالله در این خصوص گفته است که در صورت حملات سهمگین رژیم صهیونیستی به لبنان و در حالی که تنها چند موشک برای حزب‌الله باقی مانده باشد

– یعنی بدترین سناریو برای حزب‌الله و بهترین سناریو برای اسرائیل- همان تعداد کم از موشک‌ها می‌تواند جان صدها هزار اسرائیلی را به خطر اندازد.[۲۷] چنین تلقی‌ای بیانگر آن است که حزب‌الله می‌کوشد تا در سطح حداکثری در مقابل قدرت هسته‌ای رژیم صهیونیستی، بازدارندگی ایجاد کند[۲۸] و برای مواجهه با آن و هم‌چنین سایر ضربات متعارف، طرحی جهت افزایش قدرت بازدارندگی مطرح سازد. البته امکان استفاده از سلاح هسته‌ای از سوی اسرائیل، بنا به دلایلی که از حوصله این مقاله خارج است، ضعیف ارزیابی می‌شود. تهدید نصرالله مبنی بر هدف‌گیری مخازن آمونیاک در حیفا، همان چیزی است که تا حدی بازدارندگی نامتقارن حزب‌الله در مقابل توانمندی هسته‌ای رژیم صهیونیستی و توان حملات تخریبی را سامان می‌دهد. او در این خصوص گفته است: «صهیونیست‌ها از جنگ بعدی [احتمالی] می‌ترسند. می‌ترسند که مقاومت مخزن‌های گاز در حیفاء را که به مرگ و جراحت ۸۰۰ هزار فرد در رژیم غاصب می‌شود، هدف بگیرد و معتقدند که آسیبی که از انفجار این مخزن‌ها ایجاد خواهد شد، معادل یک بمب اتم است. از دید آنان، ما بمب اتم داریم!»[۲۹] این تهدید حزب‌الله موجی از هشدارهای امیتی و زیست‌محیطی را در اسرائیل ایجاد کرد. به‌عنوان نمونه سازمان اسرائیلی تسلول ویژه امور محیط زیستی در اظهار نظری رسمی گفت کارشناسان می‌گویند در صورت که فقط ۲۰۰۰ تن از آمونیاک ذخیره شده در این مخازن نشست پیدا کند، دهها هزار نفر کشته و تعداد بالایی زخمی می‌شوند.[۳۰] این تهدید سرانجام منجر به این شد که مقامات صهیونیست شهر حیفا در فلسطین اشغالی دستور دادند مخزن جنجال برانگیز آمونیاک در نزدیکی ساحل این شهر، از بیم تهدید جنبش حزب‌الله بسته شود.[۳۱]

دیگر توانمندی عملیاتی حزب‌الله که از سوی مقامات این جنبش و طرف‌های صهیونیستی مورد اشاره قرار گرفته است، قدرت دریایی آن است. این قدرت را هم می‌توان در راستای ارتقاء سطح فنی و تسلیحاتی حزب‌الله مورد تحلیل قرار داد و هم ابعاد راهبردی و عملیاتی آن را بررسی کرد. جفری وایت در این خصوص معتقد است اگر در جنگ ۲۰۰۶، حدود ۹۵ درصد از فعالیت‌های دریایی از آن اسرائیل بوده است، در نبرد آینده سهم حزب‌الله از این فعالیت‌ها افزایش خواهد یافت.[۳۲] علاوه بر موشک‌های زمین به دریای C-۸۰۲ که گفته می‌شود در نبرد ۲۰۰۶ نیز مورد استفاده حزب‌الله قرار گرفت و دارای برد ۱۱۰ کیلومتری است، داشتن نیروی دفاعی دریایی که می‌تواند قابلیت‌های هجومی نیز داشته باشد، دیگر توان حزب‌الله است که مورد نگرانی مقامات رژیم صهیونیستی است. آن‌ها بر این باورند که ایران در تقویت سامانه بازدارندگی دریایی حزب‌الله به صورت مشخص ایفای نقش کرده است. چنین توانایی از سوی حزب‌الله می‌تواند در نبرد احتمالی، معادلات نفتی و اقتصادی اسرائیل را تهدید کند.[۳۳] به گفته‌ی روزنامه یدیعوت آحارانوت اسرائیل، حزب‌الله موشک‌های یاخونت که روس‌پایه هستند را نیز در اختیار دارد که بر قدرت دفاعی آن خواهد افزود. این موشک‌ها بردی ۳۰۰ کیلومتری دارند. یکی از وزرای دفاع سابق اسرائیل در سال ۲۰۱۴ طی مقاله‌ای در روزنامه وال استریت ژورنال آمریکا مدعی شد که حزب‌الله حداقل به ۱۲ موشک یاخونت دست‌یافته است.[۳۴]

جمع‌بندی

اگرچه به نظر می‌رسد حزب‌الله به دلیل مشارکت میدانی در بحران سوریه، تا حدی به لحاظ نیروی انسانی و تمرکز بر اسرائیل دچار ضعف شده باشد اما این جنبش با طرح راهبردهای عملیاتی و فراگرفتن تجارب تاکتیکی همراه با تقویت قدرت موشکی و تسلیحاتی، توانسته است الگوی بازدارندگی نامتقارن خود در مقابل رژیم صهیونیستی را توسعه و آن را متناسب با شرایط جدید سامان دهد. حزب‌الله به شاخص‌های سه‌گانه‌ی بازدارندگی پای‌بند بوده و متناسب با فرهنگ استراتژیک و عقلانیت مختص خود، در تلاش است تا بر قدرت بازدارندگی‌اش بیفزاید. این سه‌گانه عبارت‌اند از؛

– توان تهدید؛ حزب‌الله به دلیل توان فنی و تسلیحاتی خود همراه با مولفه‌هایی دیگری چون مجاورت جغرافیایی، از قدرت مورد نیاز برای طرح تهدید علیه اسرائیل برخوردار است. تجارب تاکتیکی ناشی از میدان بحران سوریه هم‌چون مهارت‌های تهاجمی، جنگ شهری و مدیریت عملیات‌های گسترده وقتی به توان فنی و تسلیحاتی افزوده شود، بر توان تهدید حزب‌الله می‌افزاید.

– معتبرسازی تهدید؛ تهدیدات حزب‌الله هم‌چون طرح راهبرد عملیاتی الجلیل و هدف‌گیری مخازن گاز آمونیاک واقع در شهر حیفا در سرزمین‌های اشغالی، کاملا برای اسرائیل معتبر محسوب می‌شوند و بر همین اساس این رژیم با اتخاذ تدابیری هم‌چون آمادگی و سازماندهی نظامی و امنیتی در مناطق شمالی و یا جابجایی مخازن آمونیاک، سعی در برطرف کردن این تهدیدات داشته است.

– ارتباط و انتقال پیام بازدارنده؛ حزب‌الله هم‌چنان از مهم‌ترین کانالش یعنی شخص سیدحسن نصرالله برای انتقال پیام‌های بازدارنده به اسرائیل بهره می‌برد. جامعه صهیونیستی نیز به

صورت نسبی به این جمع‌بندی رسیده است که در صدق گفته‌های تهدیدآمیز نصرالله کمتر تردید کند. نصرالله در این خصوص گفته است: «عملیات روانی بخشی از نبرد است و این درست است. اما من به جنگ روانی معتبر می‌پردازم. من در مورد حقایق صحبت می‌کنم، دروغ نمی‌گویم.»

منابع و پی نوشت ها

[۱] . Deterrence

[۲] . فریدمن، لارنس (۱۳۹۰). بازدارندگی، ترجمه‌ی عسگر قهرمان‌پور و روح‌الله طالبی آرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

[۳] . عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۲). نظریه‌های امنیتی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: نشر میزان.

[۴] . Asymmetric Deterrence

[۵] . Wilner, Alexs (2015), Deterring Rational Fanatics, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.

[۶] . Intra-War Deterrence

[۷] . قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: نشر میزان.

[۸] . المیادین (۲۰۱۵). «حوار العام مع الأمین العام لحزب الله السید حسن نصر الله». قابل بازیابی در؛

http://www.almayadeen.net/episodes/753657

[۹] . Amos Yadlin

[۱۰] . Sobelman, Daniel (2017), "Learning to Deter: Deterrence Failure and Success in the Israel-Hezbollah Conflict, 2006–۱۶", International Security, Vol. 41, No. 3, p. 192

[۱۱] . Katz, Yaakov & Stoil, Rebecca Anna (2010). "Hezbollah Received Hundreds of Syrian Missiles", Jerusalem Post. Available at: http://www.jpost.com/Middle-East/Hizbullah-received-hundreds-of-Syrian-missiles

[۱۲] . هارئیل، عاموس (۲۰۱۲). «هآرتس: حزب الله العدو الأذکی فی المنطقه»، المنار، قابل بازیابی در؛

http://archive.almanar.com.lb/article.php?id=325061

[۱۳] . Samaha, Nour (2016). "Hezbollah's Death Valley", Foreign Policy, Available at: http://foreignpolicy.com/2016/03/03/hezbollahs-death-valley/

[۱۴] . Andrew Exum

[۱۵] . Ynetnews (2014), Fighting in Syria has changed Hezbollah's tactics, Available at: https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-4510728,00.html

[۱۶] . نصرالله، سیدحسن (۱۳۹۴). «سخنرانی سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان، در مراسم سالگرد شهادت سران حزب الله»، سایت مقاومت اسلامی لبنان. قابل بازیابی در؛
http://www.moqawama.ir/?speech=941127

[۱۷] . Samaha, Nour (2016). "Hezbollah's Death Valley", Foreign Policy, Available at: http://foreignpolicy.com/2016/03/03/hezbollahs-death-valley/

[۱۸] . Ynetnews (2014), Fighting in Syria has changed Hezbollah's tactics, Available at: https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-4510728,00.html

[۱۹] . Urban Warfare

[۲۰] . Jeffrey White

[۲۱] . White, Jeffrey (2014), "Hizb Allah at War in Syria: Forces, Operations, Effects and Implications", Washington Institute, Available at: http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/hizb-allah-at-war-in-syria-forces-operations-effects-and-implications

[۲۲] . الحسینی، لطیفه (سپتامبر ۲۰۱۲). «الجلیل کنز استراتیجی فی مرمی حزب الله»، المقاومه. قابل بازیابی در؛
https://www.moqawama.org/essaydetails.php?eid=26381&cid=330

[۲۳] . المیادین (۲۰۱۵). «حوار العام مع الأمین العام لحزب الله السید حسن نصر الله». قابل بازیابی در؛
http://www.almayadeen.net/episodes/753657

[۲۴] . المیادین (۲۰۱۵). «حوار العام مع الأمین العام لحزب الله السید حسن نصر الله». قابل بازیابی در؛
http://www.almayadeen.net/episodes/753657

[۲۵] . مواسی، حسن (۲۰۱۶). «محللون عسکریون یؤکدون مواصله الاستعداد لحرب ثالثه مع لبنان»، المستقبل. قابل بازیابی در؛
http://www.almustaqbal.com/v4/Article.aspx?Type=NP&ArticleID=698307

[۲۶] . زارعی، محمد (۱۳۹۳).مقابله اسراییل با طرحهای آزادسازی غلاف غزه و الجلیل. موسسه ندا. قابل بازیابی در؛
http://nedains.com/fa/news/309826

[۲۷] . المیادین (۲۰۱۲). «السید نصر الله لـالمیادین: أی نظام یقف ضد إسرائیل نؤیده». قابل بازیابی در؛

http://www.almayadeen.net/news/504483

[۲۸] . Sobelman, Daniel (2017), "Learning to Deter: Deterrence Failure and Success in the Israel-Hezbollah Conflict, 2006–۱۶", International Security, Vol. 41, No. 3, p. 190

[۲۹] . نصرالله، سیدحسن (۱۳۹۴). «سخنرانی سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان، در مراسم سالگرد شهادت سران حزب الله»، سایت مقاومت اسلامی لبنان. قابل بازیابی در؛
http://www.moqawama.ir/?speech=941127

[۳۰] . المنار (۲۰۱۶). «خوف اسرائیلی جراء کلام السید نصر الله حول غاز "الامونیا" فی حیفا». قابل بازیابی در؛

http://archive.almanar.com.lb/article.php?id=1426907

[۳۱] . Jerusalem Post (2017). "Israeli ammonia tank set to close following Hezbollah threat", Available at: http://www.jpost.com/Israel-News/Judge-orders-temporary-closure-of-Haifa-ammonia-tank-480973

[۳۲] . Sobelman, Daniel (2016), "Deterrence Has Kept Hezbollah and Israel At Bay for 10 Years", National Interest, Available at: http://nationalinterest.org/feature/deterrence-has-kept-hezbollah-israel-bay-10-years-16970

[۳۳] . المرصاد (۲۰۱۷). «قوه حزب الله البحریه: الأهمیه والمعادلات العسکریه الجدیده!»، قابل بازیابی در؛
http://www.almersad.net/2013-10-31-22-27-28/6783-2017-02-26-21-29-05

[۳۴] . النهار (۲۰۱۷). «هل حصل "حزب الله" علی صواریخ "یاخونت" الکاسره للتوازن؟»، قابل بازیابی در؛

https://www.annahar.com/article/541685

اگرچه به نظر می‌رسد حزب‌الله به دلیل مشارکت میدانی در بحران سوریه، تا حدی به لحاظ نیروی انسانی و تمرکز بر اسرائیل دچار ضعف شده باشد اما این جنبش توانسته است بازدارندگی نامتقارن خود را در مقابل رژیم صهیونیستی توسعه دهد.

اندیشکده راهبردی تبیین

نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter

نشانی پایگاه اینترنتی: Tabyincenter.ir

شماره تماس جهت اعزام سخنران: ۰۲۱ - ۲۶۱۵۳۲۳۹